



The Dichotomy of Security and Values from the Perspective of the Jurisprudence of Security

Mohammad Kazem Tabatabaee: Associate Professor, department of Nahj-al-Balagha, Faculty of hadiths Sciences and education, University of the Quran and Hadith, qom, Iran.

tabakazem@gmail.com

Mohammad Javad Mohammadi: Assistant professor, Department of Iranian Studies, Faculty of world studies, university of Tehran, Tehran, iran.

mjmohammadi@ut.ac.ir

Yasin Pourali: Seminary Researcher, Visiting Professor, Imam Sadiq university, Tehran, iran (Corresponding Author).

Pourali.y@gmail.com

Abstract

Security, as one of the fundamental needs of both the individual and society, has consistently occupied a prominent place within intellectual and political systems. In modern frameworks, security is often defined through political, economic, or military considerations, and in many cases its provision is justified by restricting or suspending certain human values and fundamental rights. In contrast, within the Islamic intellectual system—particularly in the framework of the jurisprudence of security—security is defined within a comprehensive network of religious values and principles, and cannot be considered independently. Drawing on jurisprudential sources and the governing principles of the jurisprudence of security, this article examines the relationship between security and values. It argues that, from this perspective, the two are not in conflict; rather, authentic and sustainable security can only be realized through adherence to values such as justice, morality, development, and freedom. In this sense, security does not merely denote the absence of threats, but the creation of conditions that enable human growth and perfection under the guidance of divine values. Ultimately, the study concludes that, in contrast to secular readings of security, the jurisprudence of security presents a paradigm in which security is not achieved at the expense of values, but inextricably linked to them, never sacrificing ethical or divine principles in the pursuit of safety.

Keywords

Jurisprudence of Security, Islamic Values, Security, Justice, Binary Oppositions, Ssecurity–Values Tension.



دوگانه امنیت و ارزش‌ها از منظر فقه امنیت

محمد کاظم طباطبایی: دانشیار گروه نهج‌البلاغه، دانشکده علوم و معارف حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران. tabakazem@gmail.com

محمدجواد محمدی: استادیار گروه مطالعات ایران دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mjmohammadi@ut.ac.ir

یاسین پورعلی: پژوهشگر حوزوی، استاد مدعو دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول). pourali.y@gmail.com

چکیده

امنیت به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی فرد و جامعه، همواره جایگاه برجسته‌ای در نظام‌های فکری و سیاسی داشته است. در نظام‌های مدرن، امنیت غالباً با ملاحظات سیاسی، اقتصادی و نظامی تعریف می‌شود و در بسیاری از موارد، تأمین امنیت با تحدید یا تعلیق برخی ارزش‌های انسانی و حقوق بنیادین توجیه می‌شود. در نظام فکری اسلام به‌ویژه در چهارچوب فقه امنیت، امنیت در بستر منظومه‌ای از ارزش‌ها و اصول دینی تعریف شده است و نمی‌تواند به‌صورت مستقل از آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی و مطالعه کتابخانه‌ای، ضمن تکیه بر منابع فقهی و اصول حاکم بر فقه امنیت، به بررسی نسبت میان امنیت و ارزش‌ها می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از منظر فقه امنیت، نه تنها این دو مقوله در تعارض نیستند، بلکه امنیت اصیل و پایدار تنها در پرتوی التزام به ارزش‌ها از جمله عدالت، اخلاق، توسعه و آزادی قابل تحقق است. در این چهارچوب، امنیت تنها به معنای فقدان تهدید نیست، بلکه به معنای فراهم بودن شرایط رشد و تعالی انسان در سایه ارزش‌های الهی است. درنهایت، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که فقه امنیت در مقابل قرائت‌های سکولار از امنیت، الگویی ارائه می‌دهد که امنیت را نه به بهای کنار گذاشتن ارزش‌ها، بلکه در پیوند وثیق با آن‌ها معنا می‌کند و در مسیر تأمین امنیت، هیچ‌گاه اصول اخلاقی و الهی را قربانی نمی‌سازد.

واژگان کلیدی: فقه امنیت، ارزش‌های اسلامی، امنیت، عدالت، تقابل دوتایی، تعارض امنیت و ارزش.

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امنیت یکی از مهم‌ترین نیازهای جوامع انسانی و یکی از اصول اساسی در نظام‌های سیاسی و اجتماعی است. در فقه اسلامی، امنیت به‌عنوان یکی از مقاصد شریعت در کنار عدالت، آزادی، اخلاق و رفاه اجتماعی مطرح شده است، اما در برخی موارد، تأمین امنیت ممکن است با دیگر اصول و ارزش‌های انسانی یا قوانین شرعی در تضام قرار گیرد. برای مثال، ممکن است برای حفظ امنیت، برخی از اصول عدالت، اخلاق، صداقت، کرامت انسانی، ایثار و آزادی‌های مشروع محدود شوند. این مسئله نیازمند تحلیل فقهی دقیق برای تعیین اولویت‌ها و چگونگی برطرف شدن تضام است. در فقه امنیت، تضام به معنای برخورد میان تأمین امنیت عمومی با دیگر ارزش‌های والای انسانی و اسلامی است که خود دارای اهمیت هستند. تضام در فقه به معنای وجود دو یا چند حکم شرعی است که در موقعیتی خاص به دلیل شرایط یا محدودیت‌های خاص نمی‌توان هم‌زمان همه آن‌ها را اجرا کرد و از این‌رو نیاز به انتخاب یک حکم به عنوان اولویت و مقدم داشتن آن بر دیگری وجود دارد. این مسئله در فقه امنیت نیز مطرح است؛ جایی که در شرایط بحرانی یا تهدیدات مختلف، حفظ امنیت عمومی ممکن است با دیگر اصول و قوانین شرعی مانند حقوق فردی، عدالت، اخلاق یا حتی توسعه اقتصادی تضام یابد.

در فقه امنیت، هدف اصلی، حفظ جامعه و منافع عمومی است، اما در کنار این هدف، باید توازن بین این هدف و دیگر اصول مانند حقوق بشر، عدالت و اخلاق برقرار شود. بنابراین، تبیین تضام در فقه امنیت نیازمند بررسی دقیق شرایط و اصول فقهی است که می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امنیت نقش‌آفرین باشد. در این پژوهش از باب استقرا، تضام بین امنیت و عناوین فضیلتی مانند عدالت، آزادی، توسعه، محیط‌زیست، اخلاق و اقتصاد از منظر فقهی بررسی شده است.

ضرورت پژوهش در مورد دوگانه «امنیت و ارزش‌ها» از منظر فقهی به این دلیل است که در دنیای معاصر، بحث امنیت به‌عنوان یکی از مقولات اصلی در روابط اجتماعی و بین‌المللی مطرح است و درعین‌حال، حفظ و احترام به ارزش‌های انسانی، دینی و اخلاقی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. در این راستا، بررسی چگونگی تعامل میان این دو مقوله از منظر فقهی کمک می‌کند تا تعادلی منطقی و مشروع بین

تأمین امنیت و حفظ اصول ارزشی برقرار شود؛ به‌ویژه در مواقعی که امنیت به خطر می‌افتد و ممکن است نیاز به تضییع یا فدای برخی از ارزش‌ها باشد. چنین پژوهشی می‌تواند راه‌حل‌هایی فقهی برای چالش‌های معاصر ارائه دهد و به تبیین رویکردهای شرعی در مواجهه با تهدیدات امنیتی کمک کند.

این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست که آیا امنیت همیشه باید در اولویت باشد؟ چگونه مفاهیم ارزشی مانند عدالت، صداقت و کرامت انسانی با نیاز به امنیت تراحم می‌یابد و درنهایت، راه‌حل‌های فقهی برای حل این تراحم‌ها چیست؟

۱. کلیات و مفاهیم

امنیت واژه‌ای است که از زوایای مختلف لغوی، فقهی و اصطلاحی معناهای متفاوتی دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود.

- معنای لغوی: واژه «امنیت» در زبان عربی از ریشه «أمن» به معنای در امان بودن، ایمنی و آسودگی (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص. ۲۳) و از بین رفتن هراس و نگرانی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۹۰). این معنا در متون فقهی نیز مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان یکی از مقاصد شریعت، بر اهمیت حفظ امنیت و آسایش عمومی تأکید شده است (ورعی، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۸).
- معنای فقهی: در فقه اسلامی، امنیت مفهومی گسترده‌تر دارد و به معنای حفاظت از جان، مال، دین و عرض مسلمانان و تأمین شرایطی است که در آن فرد یا جامعه از خطرات مختلف مانند تهدیدات دینی، خارجی یا داخلی در امان باشند. امنیت در فقه به‌عنوان یکی از حقوق اولیه انسان‌ها و جوامع شناخته می‌شود و تأمین آن از وظایف حاکمیت و دولت اسلامی است. در فقه اسلامی، تأمین امنیت به‌طور خاص در چهارچوب اصولی مانند «حفظ‌النفس» (حفظ جان) و «حفظ‌المال» (حفظ مال) و «حفظ‌العرض» (حفظ آبرو) مطرح می‌شود (شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص. ۳۸).
- معنای اصطلاحی: در اصطلاحات معاصر، امنیت به معنی وضعیت یا شرایطی است که در آن تهدیدات مختلف (اعم از اقتصادی، اجتماعی، نظامی یا سایبری) بر یک فرد، گروه یا کشور منتفی شده باشد و شرایط مطلوب برای

فعالیت‌های عادی، رشد و پیشرفت فراهم شود. امنیت اصطلاحی شامل ابعاد مختلفی است که از امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گرفته تا امنیت ملی و بین‌المللی را دربرمی‌گیرد. در این زمینه، امنیت مقوله‌ای چندبعدی و پویاست که همواره باید با دیگر نیازهای جامعه مانند آزادی‌ها و حقوق بشر متوازن شود (نصیری، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۷).

۱-۱. تعریف دوگانه‌ها

دوگانه‌ها یا تقابلهای دوتایی به مفاهیم و ساختارهایی اشاره دارند که در آن‌ها دو عنصر یا مفهوم در وضعیت تضاد، تعامل یا توازن با یکدیگر قرار می‌گیرند. این مفاهیم در بسیاری از حوزه‌های نظری، فلسفی، اجتماعی، فرهنگی و دینی مطرح می‌شوند و معمولاً بیان‌کننده نیاز به درک جهان از طریق تمایز و مقایسه‌اند. مفاهیمی مانند خیر و شر، عقل و نفس، زن و مرد، امنیت و آزادی یا دنیا و آخرت، مثال‌هایی از این تقابلهای هستند که هم در تفکر سنتی و دینی و هم در اندیشه مدرن حضور دارند.

از منظر ساختارگرایی، ذهن انسان برای فهم جهان به طبقه‌بندی و تضاد نیاز دارد و دوگانه‌ها ابزاری برای نظم دادن به تجربه انسانی شمرده می‌شوند. در آثار کلود لوی استروس، این تقابلهای سازوکار بنیادین تولید معنا در زبان، اسطوره و فرهنگ تلقی می‌شوند. باین‌حال، پس‌اساختارگرایان مانند ژاک دریدا بر سیالیت این دوگانه‌ها و نسبی بودن مرز میان آن‌ها تأکید کرده و نشان داده‌اند که هر قطب برای معنا یافتن به قطب دیگر وابسته است، هیچ‌کدام بر دیگری برتری ذاتی ندارد و اغلب در هم تنیده‌اند. این مفهوم در روزگار معاصر به‌گونه‌ای گسترده در تمام حوزه‌های هنر، معماری، علوم اجتماعی، زبان‌شناسی، علوم انسانی و حتی علوم سیاسی نفوذ کرده است (رامین‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۳).

در بستر دینی نیز دوگانه‌ها نقش کلیدی در تحلیل مفاهیم اخلاقی و هستی‌شناختی ایفا می‌کنند. در قرآن کریم و منابع اسلامی، تقابلهایی مانند هدایت و ضلالت، خوف و امنیت، نفس، عقل و دنیا و آخرت همواره به‌عنوان بستر انتخاب اخلاقی و رشد معنوی انسان مطرح شده‌اند. این دوگانه‌ها برخلاف ظاهر متناقض‌شان، گاه زمینه‌ساز تعامل و تکامل‌اند. برای مثال، در آیه «فَاللَّهُمَّ اجْعَلْهَا فُجُورًا وَتَقْوَاهَا» (شمس/۸) به قابلیت وجودی انسان برای انتخاب میان دو مسیر اشاره می‌شود که هر دو در ساختار وجودی او قرار دارند.

در تحلیل‌های اجتماعی و فرهنگی معاصر، دوگانه‌هایی مانند امنیت و آزادی، فرد و جامعه، سنت و تجدد به‌طور خاص محل توجه‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۷؛ رادمند، ۱۳۷۹، ص ۲۱۷؛ افروغ، ۱۳۸۰، ص ۱۱۶). این مفاهیم نه تنها در تضاد نیستند، بلکه در توازنی ظریف قرار دارند که فهم و حفظ آن برای رسیدن به راه‌حل‌های کارآمد و متعادل ضروری است. بنابراین، دوگانه‌ها تنها ابزارهای تحلیلی برای نمایش تضاد نیستند، بلکه بیان‌کننده پیچیدگی‌های ذاتی جهان انسانی‌اند که می‌توانند بستری برای خلاقیت، تأمل و یافتن تعادل‌های نوین در مسائل پیچیده فراهم آورند. در ادامه، دوگانه‌هایی که احتمال تراحم با امنیت دارند، به‌طور خلاصه تعریف شده است.

- توسعه در فقه اسلامی: توسعه در نگاه فقهی شامل رشد و پیشرفت همه‌جانبه انسان و جامعه است که در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی معنوی محقق می‌شود.
- آزادی در فقه شیعه: آزادی در فقه اسلامی به معنای حقیقت اختیار انسانی و آزاد بودن از سلطه نامشروع و غیراسلامی است.
- محیط‌زیست در فقه اسلامی: محیط‌زیست در فقه اسلامی به مفهوم حفظ منابع طبیعی، منابع آبی، خاک و هوا و به‌طور کلی، تعامل انسان با طبیعت است؛ به‌گونه‌ای که به آن آسیب نرساند. فقه اسلامی به حفاظت از زمین، آب، هوا و دیگر منابع طبیعی توجه دارد و به انسان‌ها مسئولیت می‌دهد که در استفاده از این منابع اعتدال را رعایت کنند.
- اخلاق در فقه اسلامی: اخلاق اسلامی به مجموعه اصول و قواعدی اشاره دارد که انسان‌ها را به رفتار صحیح و نیکو هدایت می‌کند. این اصول نه تنها شامل اخلاق فردی مانند صداقت، امانت‌داری و رعایت حقوق دیگران، بلکه شامل اخلاق اجتماعی مانند عدالت، انصاف، احترام به حقوق عمومی و حمایت از برابری در جامعه می‌شود.
- اقتصاد در فقه اسلامی: اقتصاد در فقه اسلامی به معنای تأمین نیازهای انسانی به شیوه‌ای است که عدالت و رفاه عمومی را در نظر بگیرد. در اسلام، مسائل اقتصادی نه تنها از نظر فنی و علمی، بلکه از نظر اخلاقی نیز مورد توجه قرار دارند.

۲-۱. تصویر تراحم بین امنیت و مفاهیم ارزشی

در نظام‌های دینی و به‌ویژه در فقه اسلامی، «امنیت» یکی از ارکان بنیادین جامعه مطلوب به شمار می‌رود که زمینه‌ساز اجرای احکام، تحقق عدالت و تأمین آسایش عمومی است. باین حال، در فرایند استقرار امنیت، همواره احتمال بروز تراحم با دیگر مفاهیم ارزشی مانند آزادی، عدالت، کرامت انسانی و حقوق فردی وجود دارد. این تراحم‌ها به‌ویژه در موقعیت‌های بحرانی مانند تهدید، ناامنی یا شورش‌های اجتماعی، نمود عینی‌تری می‌یابد و فقیه یا حاکم شرعی را در مقام ترجیح و اولویت‌گذاری قرار می‌دهد.

تصویر این تراحم‌ها تنها در سطح اجرایی و سیاست‌گذاری قابل تحلیل نیست، بلکه نیازمند بازخوانی فقهی و اصولی است. فقه اسلامی با بهره‌گیری از قواعدی مانند تراحم، اهم و مهم، اضطرار و مصلحت می‌کوشد تا به‌گونه‌ای منطقی و متوازن، میان امنیت به‌عنوان ضرورتی اجتماعی و دیگر ارزش‌ها به‌عنوان اصول بنیادین دینی سازگاری ایجاد کند. تبیین دقیق این نسبت‌ها نه تنها چالش‌های نظری فقه را روشن می‌سازد، بلکه در ارائه الگوی حکمرانی دینی در دنیای معاصر نیز نقش کلیدی ایفا می‌کند؛ البته باید توجه داشت که مواردی مانند امنیت و آزادی یا امنیت و عدالت که در اینجا به آن‌ها اشاره شد، تنها برای مثال به‌منظور روشنی بحث آورده شده‌اند و گرنه دامنه این مسئله می‌تواند فراتر از این مصادیق باشد و دیگر حوزه‌های ارزشی را نیز دربرگیرد.

۱-۲-۱. امنیت و اخلاق

مسئله تراحم بین امنیت و اخلاق در فقه اسلامی یکی از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز است. در بسیاری از موارد، برای تأمین امنیت عمومی ممکن است تصمیمات یا اقدامات خاصی اتخاذ شود که به نظر می‌رسد با اصول اخلاقی و انسانی در تضاد هستند. برای مثال، در شرایط خاص امنیتی ممکن است اقدامات نظارتی سرکوبگرانه یا حتی نقض حریم خصوصی افراد لازم به نظر برسد که با آموزه‌های اخلاقی اسلام مغایر است.

در شرایط عادی باید امنیت و اخلاق به‌طور طبیعی با هم هماهنگ شوند. فقه اسلامی بر این اصل تأکید دارد که هیچ‌گاه نباید به بهانه تأمین امنیت، اصول اخلاقی نادیده گرفته شود. برای مثال، نباید به دلیل نیاز به امنیت عمومی، به حقوق فردی و خصوصی افراد تجاوز شود

یا از روش‌های غیراخلاقی مانند شکنجه یا دروغ‌گویی برای دستیابی به اهداف امنیتی استفاده کرد، اما در شرایط اضطراری یا بحران‌ها ممکن است اقدامات امنیتی به شکلی ضرورت یابند که برخی اصول اخلاقی به‌طور موقت تحت‌الشعاع قرار گیرد. برای مثال، در شرایط جنگ یا تهدیدات جدی امنیتی ممکن است استفاده از برخی روش‌ها که در شرایط عادی مغایر با اخلاق است، اجتناب‌ناپذیر شود. برای مثال، در مواقع حساس امنیتی آیا می‌توان اطلاعات را پنهان کرد یا حقایق را تحریف کرد؟ گاه ممکن است اقدامات امنیتی منجر به نقض برخی از اصول اخلاقی مانند صداقت، حریم خصوصی و حقوق انسانی شوند.

۱-۲-۲. امنیت و آزادی

مسئله تزاخم میان امنیت و آزادی یکی از چالش‌های اساسی در دنیای معاصر است. در جوامع اسلامی و به‌ویژه در فقه شیعه، این موضوع به‌طور مداوم مورد بحث قرار گرفته است. در برخی مواقع، حفظ امنیت عمومی و حاکمیت نظم اجتماعی ممکن است به محدودیت آزادی‌های فردی منجر شود و در برخی دیگر، آزادی فردی می‌تواند تهدیدی برای امنیت جامعه باشد. برای مثال، در مواقع اضطراری یا تهدیدات امنیتی ممکن است نیاز به محدود کردن برخی از آزادی‌ها و حقوق فردی مانند حریم خصوصی یا آزادی‌های اجتماعی باشد تا امنیت عمومی تأمین شود. در مواقعی که تهدیدات امنیتی جدی هستند، ممکن است محدود کردن حقوق فردی از جمله حریم خصوصی، آزادی‌های فردی و آزادی‌های اجتماعی برای تأمین امنیت جامعه ضروری باشد یا در دوران جنگ یا بحران‌های امنیتی ممکن است نیاز به بازداشت‌های موقت یا محدودیت‌های شدید بر رفت‌وآمد افراد باشد که برای تأمین امنیت جامعه ضروری است (رادمنند، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴).

۱-۲-۳. امنیت و اقتصاد

یکی از چالش‌های اساسی در دوران معاصر، تزاخم میان امنیت و اقتصاد است. در برخی مواقع، برای تأمین امنیت عمومی ممکن است اقدامات امنیتی به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر بگذارد و برعکس، در برخی از شرایط اقتصادی بحرانی، برای تأمین رفاه و مصالح اقتصادی ممکن است سیاست‌هایی اتخاذ شود که به امنیت جامعه آسیب برساند. در شرایط عادی، تلاش برای حفظ امنیت و رشد اقتصادی باید به‌طور هم‌زمان انجام

شود. فقه اسلامی بر این تأکید دارد که جامعه باید از لحاظ اقتصادی به خودکفایی برسد و در عین حال از تهدیدات امنیتی جلوگیری کند. به‌طور کلی، فقه اسلامی معتقد است که اقتصاد سالم و امنیت پایدار هم‌راستا هستند و یکی بدون دیگری نمی‌تواند موفق باشد، اما در موارد خاص، ممکن است تصمیمات امنیتی به‌گونه‌ای اتخاذ شوند که بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر منفی بگذارند. در شرایط بحرانی مانند جنگ، تهدیدات خارجی یا بحران‌های اجتماعی ممکن است اقدامات امنیتی نیاز به فدا کردن برخی مسائل اقتصادی داشته باشند. برای مثال، ممکن است منابع مالی و انسانی به‌جای توسعه اقتصادی، برای تقویت اقدامات امنیتی تخصیص یابند که این به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

۱-۲-۴. امنیت و محیط‌زیست

یکی از چالش‌های عمده در عصر حاضر، تراحم میان امنیت و محیط‌زیست است. این تراحم هنگامی رخ می‌دهد که اقدامات امنیتی، نظامی یا صنعتی برای تأمین امنیت جامعه ممکن است به محیط‌زیست آسیب بزند یا برعکس، حفظ محیط‌زیست و توجه به توسعه پایدار ممکن است تهدیداتی برای امنیت ملی ایجاد کند. در فقه اسلامی، اصول و قواعدی وجود دارد که به حل این تراحم‌ها کمک می‌کند. این قواعد نه تنها بر اساس حفظ مصالح عمومی، بلکه بر اساس اصول اخلاقی و شرعی و احترام به حقوق بشر، حیوانات و محیط‌زیست استوار است.

در شرایط عادی، امنیت و محیط‌زیست باید به‌طور متوازن و هماهنگ با یکدیگر پیش روند. توسعه‌ای که منجر به آسیب به محیط‌زیست شود، نمی‌تواند به‌طور پایدار و درست امنیت جامعه را تأمین کند. از سوی دیگر، اگر محیط‌زیست تحت تأثیر تهدیدات امنیتی قرار گیرد، این تهدیدات ممکن است به بحران‌های جدی در آینده تبدیل شوند. در شرایط اضطراری مانند جنگ، بحران‌های اجتماعی یا تهدیدات امنیتی شدید، ممکن است برای حفظ امنیت عمومی نیاز به اقدامات خاصی باشد که به محیط‌زیست آسیب بزند. برای مثال، استفاده از منابع طبیعی برای تأمین نیازهای امنیتی، تخریب منابع طبیعی در جنگ یا حتی اعمال تحریم‌هایی که به محیط‌زیست آسیب می‌زنند.

۱-۲-۵. امنیت و عدالت

در جوامع اسلامی، مفاهیم امنیت و عدالت به‌عنوان دو اصل اساسی و مهم برای رشد و تعالی جامعه شناخته می‌شوند، اما در برخی مواقع، این دو مفهوم ممکن است با یکدیگر در تزاخم قرار گیرند (جعفرپیشه، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶). به‌عبارت‌دیگر، ممکن است در شرایط خاصی، اجرای یک سیاست امنیتی با محدود کردن اصول عدالت همراه باشد یا اجرای عدالت به‌گونه‌ای منجر به تهدید امنیت جامعه شود. برای مثال، در مواقع بحرانی ممکن است نیاز به محدود کردن دسترسی به منابع اقتصادی یا تخصیص منابع به نفع دستگاه‌های امنیتی باشد که این اقدامات می‌توانند بر مساوات اقتصادی یا عدالت اجتماعی تأثیر منفی بگذارند.

در این شرایط، پاسخ‌گویی به این تزاخم‌ها نیازمند فهم دقیق از اصول فقهی و قواعد اسلامی است. تزاخم امنیت و عدالت هنگامی رخ می‌دهد که برقراری یکی از این دو اصل، به هزینه دیگری تمام شود. این تزاخم می‌تواند در ابعاد مختلف مانند محدودیت در آزادی‌های فردی به وجود آید. بدین توضیح که برای تأمین امنیت عمومی ممکن است نیاز به محدود کردن برخی حقوق فردی یا اجتماعی افراد باشد که این اقدام به نظر برخی از پژوهشگران با اصول عدالت مخالف است (فتاحیان و رضاپور، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۵).

۱-۲-۶. امنیت و توسعه

در جوامع امروزی، دو مفهوم امنیت و توسعه از ارکان اساسی پایداری و پیشرفت شمرده می‌شوند. از سویی امنیت شرط اساسی برای تحقق توسعه پایدار است و از سوی دیگر، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، خود عاملی در راستای تثبیت و تقویت امنیت به شمار می‌آید. با این حال، گاه میان این دو مقوله تزاخم رخ می‌دهد. به این معنا که اجرای سیاست‌های امنیتی ممکن است موجب محدودیت در روند توسعه شود یا برخی اقدامات توسعه‌ای، چالش‌هایی برای امنیت جامعه ایجاد کنند (شاپوری و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۲). در فقه اسلامی، اصول و قواعدی برای حل تزاخم میان این دو مقوله ارائه شده است که می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری باشد. تزاخم میان امنیت و توسعه معمولاً در یکی از حالت‌های زیر رخ می‌دهد.

- اولویت‌بخشی به امنیت بر توسعه: در شرایط بحران، حکومت‌ها ممکن است توسعه را متوقف و بر مسائل امنیتی تمرکز کنند. این موضوع منجر به رکود اقتصادی یا محدودیت در آزادی‌های اجتماعی می‌شود.
- اولویت‌بخشی به توسعه بر امنیت: برخی سیاست‌های توسعه‌ای مانند سرمایه‌گذاری خارجی بدون نظارت کافی یا آزادسازی فرهنگی بدون کنترل، ممکن است امنیت ملی را به خطر بیندازد.
- تزاخم در روش‌های اجرایی: گاه سیاست‌های امنیتی و توسعه‌ای هم‌زمان اجرا می‌شوند، اما در روش‌های اجرایی دچار تزاخم می‌شوند. برای مثال، اجرای برخی طرح‌های عمرانی ممکن است موجب نارضایتی عمومی و اعتراضات اجتماعی شود که امنیت را تهدید می‌کند.

۳-۱. نسبت «بحث ضد» در اصول فقه با «بحث دوگانه‌ها» در فقه

در دانش اصول فقه، یکی از مباحث دیرینه و فنی که ذیل مباحث اوامر مطرح می‌شود، موضوع «بحث ضد» است. این بحث به بررسی این نکته می‌پردازد که آیا اگر شارع به فعل خاصی فرمان دهد، به‌طور ضمنی از ضد آن نیز نهی کرده است یا نه؟ (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص. ۲۶۳). به بیان ساده‌تر، اگر شارع به «نماز» امر کرده، آیا از این فرمان می‌توان نهی از اعمال متضاد آن مانند خوردن، خوابیدن یا سرگرم شدن به کاری دیگر در وقت نماز را نیز استنباط کرد؟ این بحث، با تمرکز بر افعال مکلف و در فضای فقه فردی، به تعیین مرزهای الزام شرعی و دامنه دلالت امر می‌پردازد و در واقع، به فقیه کمک می‌کند تا در مواجهه با تعارضات احتمالی، تکلیف را مشخص کند.

در سوی دیگر در دانش فقه نوعی دیگر از تقابلهای پدیدار می‌شود که از آن‌ها به «دوگانه‌های ارزشی» یاد می‌شود مانند تقابل امنیت و آزادی یا امنیت و عدالت. در این موارد، فقیه یا حاکم اسلامی با موقعیت‌هایی روبه‌روست که تحقق هم‌زمان دو ارزش مطلوب شرعی ممکن نیست و باید با در نظر گرفتن مصالح عمومی، یکی را بر دیگری مقدم بدارد. تحلیل این موقعیت‌ها نیازمند رویکرد ترکیبی است که هم عقلانیت فقهی و هم ملاحظات اجتماعی را در نظر بگیرد.

با وجود تفاوت در بستر و سطح تحلیل می‌توان میان بحث «ضد» در اصول فقه و

دوگانه‌های ارزشی در فقه نوعی نسبت تحلیلی برقرار کرد (فیرحی، ۱۳۹۹، ص. ۹۶). در این حالت، هر دو ناظر به وضعیت‌هایی هستند که در آنها «تزامم» میان دو فعل یا دو ارزش رخ می‌دهد و فقیه ناگزیر از تعیین اولویت و ترجیح است. در بحث ضد، این التزامم در سطح افعال مکلفان و به‌ویژه در دلالت‌های الفاظ شرعی تحلیل می‌شود درحالی‌که در عرصه فقه، دوگانه‌هایی مانند امنیت و آزادی، در سطح کلان اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

با این حال، تفاوت اساسی آنجاست که «بحث ضد» بیشتر بر استلزامات منطقی و دلالت‌های لفظی متمرکز است، اما بررسی دوگانه‌های ارزشی در بستر واقعیت‌های پیچیده اجتماعی، شرایط متغیر زمان و مکان و اهداف کلان شریعت صورت می‌گیرد. بنابراین، نسبت این دو را باید نوعی «هم‌خویشی مفهومی» دانست؛ یعنی هر دو درگیر مسئله «ترجیح در موقعیت التزامم» اند، اما از دو منظر متفاوت.

۲. ادله فقهی برای حل التزامم امنیت و ارزش‌های والای انسانی

از منظر فقه اسلامی، امنیت ذاتاً به معنای مقوله‌ای مستقل و خودمختار در نظر گرفته نمی‌شود. به عبارت دیگر، امنیت در فقه اسلامی به‌خودی‌خود، موضوعی مستقل و فاقد هدف نیست، بلکه ابزاری برای حفظ و تحقق اهداف عالی انسانی و دینی است. در فقه امنیت، این مقوله به‌طور مستقیم با مفاهیم دیگر مانند حفظ دین، جان، عقل، مال و نسل (که در مقاصد شریعت مورد تأکید قرار دارند) ارتباط دارد (شهید اول، ۱۴۰۰، ج ۱، ص. ۳۸).

برای تبیین دقیق مطلب باید گفت امنیت به‌عنوان ابزار در فقه اسلامی مطرح شده است. بدین معنا که امنیت هدف مستقل نیست، بلکه ابزاری است برای حفظ ارزش‌های بنیادین انسانی و دینی. در واقع، امنیت باید در راستای تحقق اهداف عالی انسانی و دینی مانند عدالت، کرامت انسان و حفظ اصول دینی به کار گرفته شود (مؤذن جامی، بی‌تا، ص. ۱۱). به عبارت دیگر، اگر امنیت باعث نقض یا تحدید این ارزش‌ها شود، مشروعیت خود را از دست می‌دهد. فقه اسلامی بر این باور است که اهداف کلان شریعت در پنج مقوله اصلی است: حفظ دین، حفظ جان، حفظ عقل، حفظ مال و حفظ نسل. این مقاصد در کنار هم، اهمیت و مشروعیت امنیت را در جامعه اسلامی تعیین می‌کنند. امنیت

می‌تواند در راستای حفظ این مقاصد به کار گرفته شود، اما هیچ‌گاه به‌تنهایی هدف قرار نمی‌گیرد. در فقه اسلامی، اگر امنیت به‌عنوان اصل در نظر گرفته شود، باید در چهارچوب ارزش‌های اسلامی و انسانی عمل کند. از این‌رو امنیت ذاتاً نمی‌تواند در تضاد با ارزش‌ها قرار بگیرد، بلکه باید به‌عنوان یکی از وسایل برای حفظ و تقویت ارزش‌ها در جامعه دیده شود. از این‌رو امنیت همواره باید در راستای حفظ مقاصد شریعت و ارزش‌های انسانی به کار گرفته شود و هیچ‌گاه به‌طور مستقل نمی‌تواند هدف قرار گیرد. به همین خاطر، فقه اسلامی برای رهایی از تراحم‌هایی که احياناً بین امنیت و ارزش‌ها حاصل می‌شود، راهکارهایی را تعبیه کرده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱. قاعده الایم فالایم

این قاعده بیان می‌کند که در شرایطی که دو ارزش یا دو حکم در تراحم^۱ باشند، آنچه اهمیت بیشتری دارد، مقدم خواهد شد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص. ۱۰۳)؛ با این توضیح که اگر در شرایطی خاص، امنیت عمومی و عدالت در تراحم باشند، باید بررسی شود که کدام یک اهمیت بیشتری دارد. این قاعده به این معناست که وقتی دو یا چند مسئله در فقه در تراحم قرار می‌گیرند، آن چیزی که اولویت بیشتری دارد باید اجرا شود. در زمینه امنیت، اگر در موقعیت خاصی، حفظ امنیت از اهمیت بالاتری برخوردار باشد، باید تصمیماتی اتخاذ شود که به تأمین امنیت عمومی کمک کند حتی اگر این تصمیمات با برخی حقوق فردی یا دیگر اصول فقهی در تضاد باشد. نکته مهم اینکه، اولویت‌بخشی امنیت بر عدالت باید موقتی و حداقلی باشد (دیلمی و جلیلی مراد، ۱۳۹۹، ص. ۲۳).

۲-۲. قاعده دفع افسد به فاسد

این قاعده بیان می‌کند که اگر میان دو ضرر تراحم ایجاد شد، باید ضرر کمتر را پذیرفت تا از وقوع ضرر بزرگ‌تر جلوگیری شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۷، ص. ۹). اگر برای حفظ امنیت لازم باشد که برخی اطلاعات پنهان شود و این پنهان‌کاری در شرایط عادی ناپسند باشد، در شرایط بحرانی ممکن است پنهان‌کاری برای جلوگیری از خطرات بزرگ‌تر مجاز باشد. برای مثال، ممکن است در شرایط تهدید تروریستی، دستگیری مظنونان بدون طی تشریفات قضایی صورت گیرد، اما این باید در حد ضرورت باقی

بماند و به رویه دائمی تبدیل نشود. طبق این قاعده، زمانی که باید دو فساد یا ضرر را برطرف کرد و برطرف کردن هر دو ممکن نیست، باید به اجبار آن فساد یا ضرر کمتر را انجام داد تا بتوان از وقوع یا ادامه فساد بزرگ‌تر جلوگیری کرد. در فقه امنیت، این قاعده می‌تواند به این صورت تفسیر شود که در شرایط بحرانی، اگر برای تأمین امنیت جامعه نیاز به اعمال اقدامات امنیتی باشد که در غیر شرایط بحرانی غیرمجاز یا غیراخلاقی هستند، باید آن اقداماتی را انتخاب کرد که کمترین آسیب به اصول اخلاقی، حقوق فردی و عدالت وارد شود.

برای مثال، اگر در جنگ یا بحران، نیاز به محدود کردن دسترسی به اطلاعات برای حفظ امنیت کشور باشد، باید کوشید این محدودیت‌ها به اندازه‌ای باشد که کمترین آسیب را به آزادی‌های اطلاعاتی و حقوق شهروندی وارد کند.

۲-۳. قاعده الضرورات تبیح المحظورات

این قاعده تصریح می‌کند که در مواقع اضطراری، برخی امور که در شرایط عادی جایز نیستند، ممکن است به‌طور موقت مجاز شوند. برخی صاحب‌نظران شیعه در تعریف اضطرار گفته‌اند که اضطرار آن است که صبر بر آن ممکن نباشد مانند گرسنگی (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص. ۶۳۶).

این قاعده از عناوین ثانویه است که با پیدایش آن، تکلیف مربوط از عهده مکلف برداشته می‌شود و او می‌تواند کاری را که در حالت عادی واجب یا حرام است، ترک کند یا مرتکب شود (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص. ۵۴۲).

در شرایط اضطراری، ممکن است برخی محدودیت‌های امنیتی مانند شنود مکالمات، کنترل شدید اطلاعات یا اعمال برخی محدودیت‌های اجتماعی لازم باشد. این اقدامات باید محدود به شرایط اضطراری باشد و پس از برطرف شدن بحران، به وضعیت عادی بازگشت. این قاعده بیان می‌کند که در مواقع ضروری و بحرانی که خطرات جدی تهدید می‌کنند، برخی از اصول فقهی که در شرایط عادی حرام یا غیرمجاز هستند، مجاز می‌شوند. در فقه امنیت، این قاعده به‌ویژه در مواقع جنگ، تهدیدات امنیتی یا بحران‌های اجتماعی اهمیت دارد؛ زیرا ممکن است برای حفظ امنیت عمومی نیاز به اتخاذ تصمیماتی باشد که در غیر شرایط اضطراری مجاز نباشد.

۲-۴. قاعده لاضرر و لاضرار

قاعده لاضرر قاعده فقهی برگرفته از متن حدیث نبوی «لا ضَرَر و لا ضَرار فی الاسلام»^۲ که بر نفی ضرر و زیان به خود و دیگران در دین اسلام و حرمت آن دلالت می‌کند. قاعده لاضرر از مشهورترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات و معاملات (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص. ۱۳۱) و نیز در فقه پزشکی و برخی مسائل مستحدثت فقهی به آن استناد کرده‌اند. اهمیت این قاعده به اندازه‌ای است که بسیاری از فقهای گذشته و حال در تألیفات و تقریرات خود، رساله مستقلی را بدان اختصاص داده‌اند.

طبق این قاعده، هیچ اقدام امنیتی نباید باعث آسیب جدی و جبران‌ناپذیر به افراد جامعه شود. اگر تأمین امنیت باعث سلب آزادی‌های مشروع، کرامت انسانی یا ایجاد ظلم شود، باید متوقف یا اصلاح شود. برای مثال، ممکن است بازجویی‌های خشن برای حفظ امنیت انجام شود، اما اگر این روش‌ها کرامت انسانی را خدشه‌دار کنند، باید با روش‌های دیگر جایگزین شوند.

این قاعده تأکید دارد که هیچ فردی نباید به دیگری ضرر وارد کند و هیچ اقدام امنیتی نباید منجر به ضرر جبران‌ناپذیر برای افراد یا جامعه شود. در حل تزاخم‌های امنیتی باید کوشید اقدامات امنیتی به گونه‌ای باشد که کمترین آسیب را به افراد و جامعه وارد کند. برای مثال، هنگام اتخاذ تصمیمات امنیتی باید مطمئن شد که این اقدامات بیش از حد نیاز به حقوق فردی یا آزادی‌های عمومی آسیب نرساند.

۲-۵. قاعده حفظ نظام

در فقه اسلامی یکی از قواعد کلیدی و زیربنایی که در مقام ترجیح میان ارزش‌های متعارض می‌تواند راهگشا باشد، قاعده حفظ نظام است. این قاعده که از عقل، سیره عقلا و متون دینی استخراج شده است، بیان می‌کند که حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از هرج و مرج، از ضرورت‌های شرعی است که در بسیاری موارد بر دیگر ملاحظات مقدم می‌شود (نجفی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۴، ص. ۱۷۵).

در شرایطی که فقیه یا حاکم اسلامی با دوگانه‌هایی مانند امنیت و آزادی، عدالت و کارآمدی یا مصلحت فرد و مصلحت جمع مواجه می‌شود، قاعده حفظ نظام می‌تواند به‌عنوان دلیلی فراگیر، مبنای ترجیح یک ارزش بر دیگری قرار گیرد. برای مثال، اگر

اجرای بی‌قید و شرط آزادی‌های فردی، به اخلال در امنیت عمومی یا فروپاشی نظم اجتماعی بینجامد، قاعده حفظ نظام ایجاب می‌کند که آزادی در چهارچوب معقولی محدود شود. این تقدم به معنای نفی ارزش آزادی نیست، بلکه ناشی از اولویت بخشی به شرط امکان تحقق دیگر ارزش‌ها یعنی نظام اجتماعی پایدار است.

نظم اجتماعی از بسترهای ضروری تحقق احکام شریعت است؛ به گونه‌ای که برخی از فقها مانند محقق نایینی و امام خمینی تأکید داشته‌اند که بدون حفظ نظام، اجرای احکام الهی و تحقق مصالح جامعه دینی ممکن نخواهد بود (نایینی، ۱۴۲۴ق، صص. ۷۵-۷۶؛ خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص. ۶۱۹). از منظر مقاصد شریعت نیز حفظ دین، نفس، عقل، مال و نسل، همگی در گروی حفظ ساختار منظم اجتماعی هستند.

بنابراین، قاعده حفظ نظام، نه تنها در فقه فردی، بلکه به ویژه در فقه حکومتی و در شرایط تزاحم ارزش‌ها، دلیلی کلان و جهت‌بخش شمرده می‌شود که می‌تواند ترجیح یکی از دو طرف دوگانه را عقلانی و شرعی جلوه دهد. در چنین وضعیتی، فقیه با در نظر گرفتن این قاعده، به دنبال راه‌حلی است که ضمن احترام به ارزش‌های بنیادین شریعت، از فروپاشی نظم اجتماعی و بحران‌های عملی در حکمرانی جلوگیری کند.

نتیجه‌گیری

بررسی نسبت میان امنیت و ارزش‌ها از منظر فقه اسلامی نشان می‌دهد که فقه امنیت برخلاف بسیاری از نظریه‌های رایج در اندیشه‌های سکولار، امنیت را نه در تقابل با ارزش‌ها، بلکه در پیوندی ناگسستنی با آن‌ها تعریف می‌کند. در این نگاه، امنیت ابزاری است برای صیانت و تحقق ارزش‌های متعالی شریعت؛ ارزش‌هایی مانند عدالت، کرامت انسانی، حفظ دین و رعایت حدود الهی. از این منظر، اگر امنیت از این اصول فاصله بگیرد، نه تنها پایدار نخواهد ماند، بلکه به بستری برای گسترش ناامنی‌های ساختاری، اخلاقی و فرهنگی تبدیل خواهد شد.

فقه امنیت با تلفیق عقلانیت و تعهد به شریعت، می‌کوشد توازنی میان مصالح دنیوی و ارزش‌های اخروی برقرار سازد و الگویی برای حکمرانی اسلامی ارائه دهد که در آن، امنیت در خدمت ارزش‌ها قرار گیرد نه در رقابت یا تعارض با آن‌ها. در این چهارچوب هرگونه اقدام امنیتی که به قیمت نقض اصول و مبانی دینی انجام شود، فاقد مشروعیت

فقهی خواهد بود.

با این حال، در مقام ترجیح میان ارزش‌های متعارض مانند دوگانه امنیت و آزادی یا امنیت و عدالت، فقه اسلامی راه‌حلهایی مبتنی بر قواعد اصولی مانند قاعده تراحم، قاعده اهم و مهم و قاعده حفظ نظام ارائه می‌دهد. نکته مهم این است که ادله‌ای که برای رفع تراحم در فقه به کار می‌روند، جنبه موردی دارند و از آن‌ها نمی‌توان به صورت کلی و تعمیم‌پذیر، قاعده استخراج کرد. به عبارت دیگر، هر مورد از تراحم نیازمند بررسی مستقل در ظرف زمان، مکان، شرایط اجتماعی و آثار مترتب است و باید در همان بستر خاص خود تحلیل شود تا بتوان تشخیص داد که کدام ارزش «اهم» یا «ارجح» است.

در این میان، یکی از پیش‌نیازهای حیاتی در فقه آن است که تشخیص مصداق اهم و مهم، به فرد یا نهادی دارای صلاحیت سپرده شود؛ نهادی که با احاطه بر اصول فقهی، آگاهی از واقعیت‌های اجتماعی و اشراف بر شریعت بتواند در موقعیت‌های تراحمی، تصمیمی مستند و مشروع اتخاذ کند. این وظیفه در نظام اسلامی بر عهده ولی فقیه، شورای نگهبان یا نهادهای فقهی مشورتی است که مرجع تشخیص مصالح و اولویت‌ها در مقام سیاست‌گذاری هستند.

در نتیجه، فقه امنیت نه تنها ظرفیت پاسخ‌گویی به چالش‌های پیچیده عصر حاضر را دارد، بلکه اگر با درکی عمیق از شرایط واقعی و ملاحظات ارزشی همراه شود، می‌تواند مبنایی معتبر و راهبردی برای سیاست‌گذاری امنیتی در نظام اسلامی باشد؛ سیاست‌گذاری‌ای که نه با حذف ارزش‌ها، بلکه با حفظ و اولویت‌بخشی صحیح میان آن‌ها، امنیتی پایدار و مشروع را تضمین کند.

یادداشت‌ها

۱. این قاعده بخشی از نظریه تراحم در اصول فقه است نه تعارض؛ زیرا در تراحم، هر دو طرف از نظر شرع مطلوب‌اند، اما امکان اجرای هم‌زمان‌شان وجود ندارد (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۲۶).
۲. سمره‌بن جندب در خانه یکی از انصار درختی داشت که برای سرکشی به آن درخت، بدون اجازه وارد آنجا می‌شد و باعث آزار و اذیت آن انصاری می‌شد. این قضیه به گوش رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) رسید و او از سمره خواست که هنگام ورود به منزل انصاری اجازه بگیرد. وی به خواسته رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) ترتیب اثری نداد و وقتی ایشان

خواستند درخت از وی خریداری شود، از فروشش نیز ابا کرد. حضرت فرمود در ازای این درخت، در بهشت پاداشی را برایت تضمین می‌کنم. وی بار دیگر نیز ابا کرد تا اینکه رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) به انصاری فرمود برو درخت را از خانهات بکن و بیرون بینداز، زیرا ضرر و ضراری در اسلام نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص. ۲۹۲).

منابع

- قرآن کریم.
- افروغ، عماد (۱۳۸۰). «سنت و تجدد». *مجله بازتاب اندیشه*، شماره ۱۴.
- جعفرپیشه، مصطفی (۱۳۸۴). «عدالت و امنیت». *مجله حکومت اسلامی*.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)* (جلد ۱). قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). «رابطه فرد و جامعه در اسلام». *نشریه پاسدار اسلام*، شماره ۲۷۷.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۷). «قاعده دفع افسد به فاسد و دلالت‌های حقوقی-جرم‌شناختی آن». *مجله حقوق اسلامی*، سال ۵، شماره ۱۸.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹). *تحریرالوسیله* (جلد ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دیلمی، احمد و جلیلی مراد، آیت‌الله (۱۳۹۹). «قاعده اهم و مهم و کارکردهای حقوقی آن». *مجله حقوق اسلامی*، سال ۱۷، شماره ۶۶.
- رادمند، داوود (۱۳۷۹). «امنیت و آزادی». *مجله علوم سیاسی*، شماره ۹.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: الدارالشامیه.
- رامین‌نیا، مریم (۱۳۹۳). «تقابل‌های دوگانه و کارکرد آن‌ها در متن با تأکید بر تقابل نور و ظلمت در آثار فارسی شیخ اشراق». *مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۳۵.
- زبیدی، محمدمرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج‌العروس* (جلد ۱۸). بیروت: دارالفکر.
- شاپوری، مهدی، موسوی شفاپی، مسعود و سلطانی‌نژاد، احمد (۱۳۹۶). «نسبت امنیت و توسعه؛ الزامات سیاست خارجی». *مجله مطالعات راهبردی*.
- شهید اول، محمدبن مکی (۱۴۰۰ق). *القواعد والفوائد* (جلد ۱). قم: کتاب‌فروشی مفید.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم‌الاصول* (جلد ۷). قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
- فتاحیان، محمدحسین و رضاپور، حسین (۱۴۰۰). «ترسیمی از رابطه عدالت و امنیت در نظام

- اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی». مجله سیاست متعالیه. فیرحی، داوود (۱۳۹۹). «نشست ماه؛ دانش فقه و مرجع امنیت». مجله دیده‌بان امنیت ملی، شماره ۱۰۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (جلد ۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (جلد ۱). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق). القواعد الفقهیه (جلد ۱). قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰). اصول الفقه (جلد ۱). قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- مقدس اردبیلی، احمد (بی‌تا). زبدة البیان فی احکام القرآن. تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
- مؤذن جامی، محمد هادی (بی‌تا). بررسی مفهوم امنیت از دید قرآن و امیرالمؤمنین (علیه السلام). اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- نابینی، محمد حسین (۱۴۲۴ق). تنبیه‌الامة و تنزیه‌الملة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۲ق). جواهر الکلام (جلد ۱۴). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نصیری، قدیر (۱۳۹۰). «تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های "باری بوزان" در بررسی امنیت». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۴.
- ورعی، سید جواد (۱۳۹۷). «امنیت از اهداف تشریح». مجله فقه حکومتی، شماره ۵.

References

- The Holy Qur'an*.
- Afrough, E. (2001). Tradition and modernity. *Baztab Andisheh Journal*, 14. [in Persian]
- Deylami, A., & Jalili-Morad, A. (2020). The rule of more important and important, and its legal functions. *Islamic Law Journal*, 17(66). [in Persian]
- Fattahian, M. H., & Rezapour, H. (2021). An outline of the relationship between justice and security in the Islamic system with emphasis on Imam Khomeini's thought. *Transcendent Politics Journal*. [in Persian]
- Feirahi, D. (2020). Monthly session: Jurisprudence and the reference of security. *National Security Watch Journal*, 104. [in Persian]
- Haji Dehabadi, M. A. (2008). The rule of repelling the greater harm by the lesser and its legal-criminological implications. *Islamic Law Journal*, 5(18). [in Persian]
- Jafarpisheh, M. (2005). Justice and security. *Islamic Government Journal*. [in Persian]
- Javadi Amoli, A. (2004). The relationship between individual and society in Islam. *Pasdar Islam Journal*, 277. [in Persian]

- Khomeini, R. (2000). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [in Arabic]
- Kulaini, M. b. Ya'qub. (1987/1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 5). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Arabic]
- Moazen Jami, M. H. (n.d.). The concept of security from the perspective of the Qur'an and Imam Ali (peace be upon him). Isfahan: Qaemieh Computer Research Center. [in Persian]
- Mostafavi, S. M. K. (2000/1421 AH). *Al-Qawa'id al-fiqhiyyah* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute, affiliated with the Society of Seminary Teachers. [in Arabic]
- Mudhafar, M. R. (1991). *Usul al-fiqh* (Vol. 1). Qom: Islamic Propagation Office Publishing Center. [in Arabic]
- Muhaqqiq Damad, S. M. (1986/1406 AH). *Qawa'id al-fiqh* (Vol. 1). Tehran: Center for Islamic Sciences Publishing. [in Persian]
- Muqaddas Ardebili, A. (n.d.). *Zubdat al-bayan fi ahkam al-Qur'an*. Tehran: Al-Maktabah al-Murtazawiyah li-Ihya' al-Athar al-Ja'fariyyah. [in Arabic]
- Na'ini, M. H. (2003/1424 AH). *Tanbih al-ummah wa tanzih al-millah*. Qom: Islamic Propagation Office, Seminary of Qom. [in Arabic]
- Najafi, M. H. (1982/1402 AH). *Jawahir al-kalam* (Vol. 14). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [in Arabic]
- Nasiri, G. (2011). A theoretical reflection on the findings and difficulties of Barry Buzan in the study of security. *Strategic Studies Quarterly*, 54. [in Persian]
- Radmand, D. (2000). Security and freedom. *Political Science Journal*, 9. [in Persian]
- Raghib Isfahani, H. b. M. (1992/1412 AH). *Mufradat al-faz al-Qur'an*. Beirut: Al-Dar al-Shamiyyah. [in Arabic]
- Ramin-nia, M. (2014). Binary oppositions and their functions in text with emphasis on the opposition of light and darkness in Suhrawardi's Persian works. *Journal of Persian Language and Literature Research*, 35. [in Persian]
- Research Group. (2005/1426 AH). *Fiqh culture according to the school of Ahl al-Bayt* (Vol. 1). Qom: Islamic Fiqh Encyclopedia Institute. [in Persian]
- Sadr, M. B. (1996/1417 AH). *Buhuth fi 'ilm al-usul* (Vol. 7). Qom: Al-Ghadir Center for Islamic Studies. [in Arabic]
- Shahid al-Awwal, Muhammad b. Makki. (1979/1400 AH). *Al-Qawa'id wa al-fawa'id* (Vol. 1). Qom: Mufid Bookstore. [in Arabic]
- Shapouri, M., Mousavi Shafae, M., & Soltani-Nejad, A. (2017). The relationship between security and development: Implications for foreign policy. *Strategic Studies Journal*. [in Persian]
- Varaei, S. J. (2018). Security as one of the goals of legislation. *Journal of Governmental Fiqh*, 5. [in Persian]
- Zubaidi, M. M. (1994/1414 AH). *Taj al-'Arus* (Vol. 18). Beirut: Dar al-Fikr. [in Arabic]